

تقیات محاکم

روید قضائی

نسبت بحکم غیابی در محکمه جنحه

در دعاوی جزائی اصولاً رسیدگی غیابی مورد ندارد زیرا همانگونه که رسیدگی بدلائل مدعی رکن اول محاکمه جزائی بشمار است رسیدگی بمداقات متهم نیز رکن دوم آن محسوب میشود بهمین نظر قانونگذار در صورتیکه متهم با ابلاغ احضاریه حاضر نشود رسیدگی غیابی را منع کرده و دستور جلب او را داده است. و حتی اگر وکیل هم بفرستد ولی محکمه حضور خود او را لازم بداند نیز دستور جلب داده است تنها موردی که اجازه رسیدگی غیابی بمحکمه جنحه میدهند مورد ماده ۳۱۵ است که مینویسد:

هرگاه متهم پس از احضار بدون عذر موجه نه شخصاً حاضر شد و نه وکیل فرستاد یا در موقعی که باید شخصاً حاضر شود وکیل فرستاد در صورتیکه محکمه حضور او را لازم نداند یعنی امر از اموری باشد که محکمه بتواند در غیاب متهم رسیدگی کند رسیدگی کرده حکم غیابی میدهد و در ماده ۳۲۰ و ۳۱۷ حق اعتراض متهم بر حکم غیابی را (ضمن تعیین مدت اعتراض) بیان کرده و در ماده ۲۷۳ که رسیدگی غیابی بجنحه های کوچک را اجازه میدهد قید میکند (موافق اصولی که برای محکمه جنحه مقرر است) پس از رسیدگی حکم غیابی خواهند داد و ظاهراً منظور اصلی آنست امر از اموری میباشد که

بتوان در غیاب متهم رسیدگی کرد. بطوریکه در قسمت روید قضائی راجع با ابلاغ حکم غیابی جزائی مندرجه در شماره ۴ گفته شده رسیدگی بدلائل اتهام و بمداقات متهم هر دو باید بطور مشاوره مورد نظر و دقت در محاکمه باشد زیرا این دو قسمت رکن اساسی محاکمه جزائی بشمار رفته و اگر یکی از رکنها ناقص باشد محاکمه صحت نمیکند و نمیتوان بمجرد رسیدگی بدلائل اتهام کسی را مجرم دانست و مجازات کرد.

لیکن در دعاوی حقوقی مداقات مدعی علیه رکن اساسی بشمار نیست و همینکه با ابلاغ وقت حاضر نشد بیه درخواست مدعی محکمه رسیدگی کرده رأی میدهند.

از همین نقطه نظر قانونگذار مورد حکم غیابی را منحصر بجائی دانسته که محکمه حضور متهم را شخصاً لازم ندانسته و امر از اموری باشد که محکمه بتواند در غیاب او رسیدگی کند در این صورت هر چند رسیدگی با حضور وکیل او بعمل آید طبق مستفاد از ماده مزبور رسیدگی غیابی محسوب و حکم غیابی خواهد بود.

زیرا حضور متهم در جلسه محاکمه و رسیدگی بمداقات او بدرجه اهمیت دارد که علماء حقوق عقیده دارند اگر متهمی در جلسه محاکمه حاضر شد و مثلاً ایراد مرور زمان یا ایراد بسلاحیت کرد و بر اثر رد ایراد از

محکوم علیه (که محکمه استیناف باسناد اینکه از تاریخ رویت حکم تا تاریخ تقدیم عرضحال پیش از ده روز گذشته قرار رد عرضحال را صادر کرده است) .

مینویسد : طبق مستفاد از ماده ۳۱۵ اصول محاکمات جزائی حکم محکمه جنحه که بر اثر رسیدگی با حضور وکیل متهم صادر شده غیابی بوده و مدت استینافی از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع میشود بنابراین قرار ممیز عنه که بدون توجه باین موضوع صادر شده با اتفاق آراء نقض میشود.....

مدافعه خودداری نمود رسیدگی و حکم محکمه با وجود حضور متهم غیابی بشمار میرود و استدلال آنها این است که غیابی شدن این حکم رکن دوم محاکمه را که دفاع متهم باشد تأمین کرده و متهم میتواند بوسیله اعتراض بر حکم از خود دفاع کند ولی اگر حکم را حضوری شناسند محاکمه را با فقدان یک رکن مهم صحیح دانسته اند .

مؤید این نظریه حکم شماره ۲۷۴۱ دیوان عالی تمیز مورخ ۱۵/۱۲/۸۵ است در موضوع عرضحال استینافی

روید قضائی

نسبت با استدعای تمیز از طرف مدعی خصوصی

مواد مزبور در مورد تمیز از طرف مدعی خصوصی سه امر را بیان میکنند .

۱- آنکه مدعی خصوصی بطور کلی از حیث ضرر و زیان حق استدعای تمیز دارد .

۲- آنکه مدعی خصوصی مخصوصاً از حیث نقض قوانین که بحقوق شخصی و منافع او مؤثر باشد حق استدعای تمیز دارد .

۳- آنکه دیوان عالی تمیز در رسیدگی با استدعای تمیز مدعی خصوصی اگر حکم را از جهت حقوق خصوصی نقض کرد رسیدگی را بمحکمه حقوق ارجاع میکند .

از بیان این امور میتوان چند نتیجه حاصل کرد .
۱- آنکه مدعی خصوصی وقتی میتواند بر حکم محکمه از حیث زیان و ضرر بوسیله استدعای تمیز اعتراض کند که حکم بدرجه قطعی رسیده یعنی از محکمه استیناف صادر شده باشد .

۲- آنکه تعبیر و انحصار حکم قطعی محکمه جنحه بحکم استینافی مطابق با اصول کلی است ، زیرا تا وقتی که از طرق عادی اعتراض بر حکم ممکن باشد استدعای تمیز مورد ندارد در این صورت اگر از حکم محکمه

ماده ۳۶۰ اصول محاکمات جزائی در مورد تمیز احکام جزائی که از محکمه استیناف صادر میشود میگوید : محکوم علیه و مدعی عمومی میتوانند از حکم محکمه استیناف تمیز بخواهند مدعی خصوصی نیز این حق را نسبت بضرر و زیان خود دارد .

ماده ۴۳۱ - در مورد تمیز احکام محاکم جنحه میگوید : احکام محاکم جنحه که قطعاً یعنی استینافاً صادر شده قابل تمیز است .

ماده ۴۳۲ نیز بطور کلی بمدعی خصوصی حق استدعای تمیز از حیث ضرر و زیان میدهد .

ماده ۴۳۷ در مورد بیان حق استدعای تمیز از طرف مدعی خصوصی میگوید : مدعی خصوصی نیز از حکم قطعی محکمه میتواند تمیز بخواهد ولی فقط از حیث نقض قوانین که بحقوق شخصی و منافع او مؤثر است .

ماده ۴۵۹ در مورد بیان ارجاع حکم منقوض که مدعی خصوصی مستدعی آن بوده میگوید : در صورتیکه مدعی خصوصی تمیز بخواهد و دیوان تمیز حکم محکمه ثانی را از جهت حقوق خصوصی نقض کند رسیدگی را بمحکمه حقوق ارجاع میدهد .